



**مولفه های تأثیر گذار در ویژگی ها، ساختار و عناصر معماری کاروانسراهای عصر صفویه در
اقلیم سرد ایران، از منظر زمینه گرایی مطالعه موردی: کاروانسرای پیام، کاروانسرای خواجه
ملکم و کاروانسرای خواجه نظر عباسی در استان آذربایجان شرقی.**

علیرضا اشرف نهند^۱، الناز شکویی زاده^۲.

۱- کارشناس ارشد مهندسی معماری، مدرس دانشکده مهارت و کارآفرینی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران Alirezaashraphnahand@yahoo.com
۲- کارشناس ارشد مهندسی معماری، هیات علمی دانشکده مهارت و کارآفرینی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران Zara.elsha@yahoo.com

**Influential Components in the features, structure and architectural elements of
Safavid caravanserais in the cold climate of Iran, from the perspective of contextual
case study: Payam caravanserai, Khajeh Malkam caravanserai and Khajeh Nazar
Abbasi caravanserai in East Azarbaijan province.**

Alireza Ashraph Nahand¹, Elnaz Shokouezadeh²,

- 1- Master of Architectural Engineering, Lecturer, College of Skills and Entrepreneurship, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
2- Master of Architectural Engineering, Lecturer, College of Skills and Entrepreneurship, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

E-mail: Alirezaashraphnahand@yahoo.com; ایمیل نویسنده مسئول

چکیده:

در معماری بومی ایران، توجه به ویژگی های زمینه و محیط پیرامون همواره مدنظر گذشتگان بوده است، یکی از این ویژگی ها، که در طراحی و ساخت بناها از اهمیت زیادی برخوردار می باشد، توجه به مسائل اقلیمی است. امروزه این مسئله با توجه اصول توسعه پایدار و بالارفتن قیمت انرژی و همچنین ضرورت حفظ و نگهداری منابع طبیعی برای آیندگان، حائز اهمیت بیشتری شده است، در این راستا، توجه به ویژگی های اقلیم زمینه و عوامل سازنده آن نظیر، خورشید، باد، آب و غیره و بهره برداری بهینه و بجا از آن ها که در روش های گذشتگان همواره متداول بوده و موجب صرفه جوئی در استفاده از منابع محدوده انرژی گردیده، به نظر می رسد، امروزه نیز می تواند راه میان بری برای استفاده بهینه از انرژی در بناهای نوین باشد؛ در این پژوهش برای دستیابی به ویژگی های معماری بومی، به ویژه در اقلیم سرد، که می تواند در معماری امروزه مورد استفاده قرار گیرد، از طریق منابع کتابخانه ای ابتدا اقلیم سرد ایران مورد مطالعه قرار گرفته و سپس به تعریف معماری اقلیمی و نقش آن در معماری بومی ایران پرداخته شده است، سپس سه کاروانسرای پیام؛ خواجه ملکم و خواجه نظر عباسی را؛ که هر سه در اقلیم سرد قرار دارند، به روش میدانی و کتابخانه ای و منابع تصویری مورد بررسی قرار داده و با استفاده از روش های آماری، استدلال قیاسی، نشانه یابی و تشخیص، داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، بنابراین سؤال اصلی پژوهش عبارت است از؛ معماری بومی کاروانسراهای دوره صفوی در اقلیم سرد تا چه میزان دارای ویژگی های اقلیمی می باشد؟

با بررسی ساختاری معماری و ابعاد آن، در سه کاروانسرا در سه منطقه دشت، کوهپایه ای و کوهستانی استان آذربایجان شرقی در دوره صفوی، جداول به دست آمده گویای این نکته است که این بناها بیشتر تابع کالبد زمینه هستند تا اقلیم آن البته در کاروانسرای خواجه نظر در جلغا که در منطقه کوهستانی واقع است، توجه به اقلیم به مراتب بیشتر است.

واژه های کلیدی: معماری عهد صفوی- عناصر کاروانسراها- معماری کاروانسرا- اقلیم سرد- آذربایجان شرقی.



Abstract:

In the native architecture of Iran, attention to the characteristics of the background and the surrounding environment has always been considered by the past, one of these features, which is very important in the design and construction of buildings, is to pay attention to climatic issues. Today, this issue has become more important due to the principles of sustainable development and rising energy prices, as well as the need to preserve natural resources for the future. Etc. and the optimal and appropriate use of them, which has always been common in the methods of the past and has resulted in saving the use of energy resources, it seems that today can be a shortcut to the optimal use of energy in buildings. Be new; In this study, in order to achieve the characteristics of indigenous architecture, especially in cold climate, which can be used in architecture today, through library resources, first the cold climate of Iran is studied and then the definition of climate architecture and its role. In the native architecture of Iran, then three caravanserais of Payam; Khajeh Malkam and Khajeh Nazar Abbasi; All three are located in cold climates, have been studied by field and library methods and image sources, and the data have been analyzed using statistical methods, deductive reasoning, marking and diagnosis, so the question The main research is; To what extent do the native architecture of Safavid caravanserais in cold climate have climatic features?

By examining the structure of architecture and its dimensions, in three areas of plain, foothills and mountains of East Azerbaijan province in the Safavid period, the obtained tables show that these buildings are more subject to the context of the body than its climate, of course in Khajeh caravanserai. In Julfa, which is located in a mountainous area, much more attention is paid to the climate

Keywords:

Safavid architecture - Caravanserai elements - Caravanserai architecture - Cold climate - East Azerbaijan.

۱- مقدمه:

تکاپوی اصلی و غائی معماری زمینه گرا، آفرینش زیبایی معمارانه در مقیاس محیط انسان است، بنابراین حد و اندازه این نوع معماری فراتر از مقیاس یک بنا یا چند ساختمان می باشد و شاید بتوان گفت در اندازه کل محیط انسان است، از طرفی بوم گرایی در پی هماهنگی مصنوع با زمینه و محیط خویش است به طوری که جزئی جدایی ناپذیر از آن می باشد.

کم توجهی انسان به تاریخ و سیر اندیشه های هر تحول و جدایی جامعه و فرهنگ آن از گذشته خود، قطعاً تلاش های مکرر و گاه بیهوده ای را برای آزمودن آنچه گذشتگان آزموده اند به آن جامعه تحمیل می کند، به طوری که در این جریان، انسان مدام مجبور به استحصال تجربیاتی است که گذشتگان اگر ته در حد کمال، دست کم به اندازه رفع نیازهای خود از آن بهره جسته اند. بنابراین، به نظر می رسد چندان دور از عقل نخواهد بود اگر انسان برای تداوم پیشرفت در عرصه های مختلف دانش و تعالی استوار و پایدار در بخش های فرهنگ، با برخورداری از امکانات روز نیم نگاهی هم به تجربیات گذشتگان داشته باشد.

در این راستا در مورد معماری باید گفت که هر بنایی با قد و قواره برافراشته خود بخشی از زمینه است و زمینه سازی برای آیندگان، مطالعه بر تاریخ معماری در دوره های گذشته ضرورت می یابد، تا امروزه با توجه به تجربیات پیشینیان و فن آوری های روز، به رفع نیازهای خود بپردازیم. از این رو این تحقیق به بررسی ویژگی های زمینه گرایی در معماری بومی استان آذربایجان شرقی می پردازد، موارد مطالعه، سه کاروانسرای پیام در مرند، خواجه نظر در جلفا و جمال آباد در میانه می باشد، که متعلق به دوره صفوی است.



روش تحقیق:

توصیفی است و با استناد به منابع کتابخانه ای و مشاهده بناهای تاریخی، و اینترنت، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری قرار می گیرد.

بیان مسئله:

سه کاروانسرای پیام، خواجه نظر و جمال آباد در استان آذربایجان شرقی به عنوان نمونه ای از معماری بومی این منطقه در دوره صفوی مورد بررسی قرار می گیرد تا میزان زمینه گرایی آن ها از نظر اقلیمی و کالبدی مورد بررسی قرار گیرد.

واژه ها و مفاهیم:

بیان رابطه بنا و بافت در معماری به شیوه ای ریشه شناختی: مشتق از کلمه لاتین به معنای بافتی در هم تنیده ، کلمه را می توان به رخدادها، ترکیب ها، متن، بالافاصله در مفهوم و توصیف قسمت قسمتهای فضا - زمانی توصیف کرد. کلمه که بیشتر در زمینه معماری مورد استفاده قرار می گیرد ، همچنین از صفت به جای صفت بکار گرفته می شود، با توجه به ساختار معماری، این کلمات ، یادآور الزامات معماری، مانند ترکیبی از عناصر است، با در نظر گرفتن ساختار معماری ، دارای خواص ظاهری است. (نوربرگه شولتز، ۱۳۹۲، ص ۷۰؛ ۷۲)

۲- زمینه گرایی:

منظور از زمینه، بستر و محیطی است که معماری در آن شکل می گیرد و این زمینه و محیط هم در محتوا و هم در شکل معماری اثر گذار است، زمینه گرایی مبتنی بر این اصل است که یک پدیده به صورت مجرد و مجزا از پیرامون خود قابل تصور نیست و پدیده ها تنها در انحصار نیروها، جوهره و ویژگی های دورنی خود نمی باشد بلکه به محیط و مجموعه پیرامون خود نیز وابسته اند، هر پدیده در محیط پیرامونش تاثیر می گذارد و نیز از آن متاثر می شود، و این دو در تعامل با یکدیگر هستند، در واقع کل هستی به هم پیوسته است و هر جزئی موثر در کل می باشد و هر تغییر در جز در کل هستی تاثیری حتمی از خود به جا خواهد گذاشت، شولتز برای فهم روح مکان مفاهیم "معنا" و "ساختار" را مطرح می کند. معنای هر شی ریشه در روابط آن با اشیای دیگر دارد یعنی در آنچه که آن شی گرد هم میآورد یک چیز به واسطه گرد هم آمدنش چیز است "ساختار" در عوض، بر ویژگی های شکل و فرمی مجموعه ای از روابط اشاره دارد. (نوربرگه شولتز، ۱۳۹۲، ص ۸۴؛ ۸۵)

۱- ۲- زمینه گرایی در معماری: هگل، هردر، آرنولد توین و مارکس به رابطه میان انسان و محیطش اشاره می کنند

و اهمیت محیط طبیعی را باز شناخته اند، لیکن توامان بر توانمندی انسان به پاسخگویی و شکل دادن به جهان تاکید کرده اند. واضح است که انسان نه تنها طبیعت، بلکه خود، اجتماع و فرهنگ را نیز می سازند، یکی از اصول اساسی مارکسیسم این است که انسان به عنوان موجودی زیست شناختی بخشی از طبیعت است و مکان انسان ساخت فهم او از محیطش را نمایان می سازد، تکمیل می کند و نمادینه می سازد (رحیمی-حسین ۱۳۸۸-ص ۵۱)

بر همین مبنا معماری زمینه گرا به ضرورت توجه به محیط پیرامون اثر معماری تاکید دارد و بر این باور است که توازن میان معماری و محیط می تواند هم برای خود اثر و هم برای زمینه اثر عاملی موثر و تقویت کننده باشد، زمینه گرایی



الگویی است برای خلق محیط مطلوب تر، لذا شناخت و آگاهی بیشتر و در کسی عمیق تر نسبت به زمینه و محیط برای معماران و طراحان امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

"معماری زمینه گرا تلاشی است برای نشان دادن توان محیط مطلوب بصری در مقیاس کلان تر از معماری، پیام معماری زمینه گرا ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است." (برنت لی برلین ۱۳۹۰، ص ۹۳)

طراح و معمار بایستی پیام زمینه و بستر طرح را درک کند و پس از آن با توجه به شرایط موجود طراحی کند، طراحی می بایستی مبتنی بر نگرشی واقع‌بینانه بر اطلاعات محیط باشد، و آنرا می طلبد، در نظر او معماری و زمینه تعاملی دو جانبه هستند، تعامل با زمینه، نه به معنای الغا و امحای متن است و نه به معنای ستیز و تضاد با آن.

"معماری زمینه گرا راهی است برای طراحی ساختمان جدید به صورت همگون و موافق با زمینه معماری است، (کارولا جی، ۱۳۹۱)، حال این زمینه می تواند معماری بومی که در برگیرنده سنن، اعتقادات، فرهنگ و دین باشد و یا در برگیرنده ی مباحث تاریخی و اجتماعی، در واقع "هدف معماری زمینه گرا آشنایی با روشهایی است که برای ایجاد و ارتباط بصری سازگار و همگون تر میان ساختمان ها می توان از آن بهره جست" (برنتی برولن، ۱۳۸۹، ص ۵۲)

۲-۲ **ابعاد زمینه گرایی:** معماری علمی جدا از مقوله های فرهنگی، اقتصادی، جامعه شناسی و... نیست و در واقع برآیند و انعکاس آنهاست، زمینه و متنی که اثر معماری در آن موجودیت می یابد واجد ویژگی ها و خصوصیات انحصاری کالبدی، جغرافیایی، اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و... می باشد.

مریل گینس (۱۹۹۳) زمینه در معماری را تحت سه موضوع کلی، الگوهای فرمی، فعالیتی و اقلیمی دسته بندی می کند، ولیکن در این مقاله ابعاد زمینه گرایی در دو زمینه کالبدی و زمینه اقلیمی مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۲ **زمینه گرایی کالبدی:** عناصری چون فرم و شکل، مقیاس، تناسب، جزئیات، مصالح، رنگها، هندسه، جهت گیری، چشم اندازها و پرسپکتیو، توپوگرافی محل، خط آسمان، خط زمین بسیاری از این مسائل را در بر میگیرد. (علیرضا شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۶۴)

۴-۲ **زمینه گرایی اقلیمی:** حفظ منابع طبیعی و احترام به آنها، تنظیم شرایط محیطی با استفاده از انرژی های طبیعی و مصرف حداقل انرژی فسیلی و هم زیستی با شرایط طبیعی و اقلیمی استفاده از نیروهای طبیعی نظیر خورشید، باد، آب و... از جمله ویژگی های زمینه گرایی اقلیمی می باشد.

در گذشته عناصری تاسیساتی نظیر بادگیرها، آسیاب بادی ها، ناودانها، گودال باغچه، سردابها و... به مدد شناخت اقلیمی زمینه معماری و ظرفیتهای زیست محیطی پدیدآمده اند، لذا توجه به فاکتورهای اقلیمی منطقه نظیر باد، باران، تغییرات دمای هوا در شب و روز، جریان هوا، وضعیت آسمان، آفتاب تابش و... امری ضروری است.

به دلیل قرار گیری کاروانسراهای مورد مطالعه در سه شهر مرنده، میانه و جلفا که از دیدگاه کسمایی در اقلیم سرد قرار دارند، به بررسی ویژگی های اقلیمی این منطقه پرداخته ایم:

اقلیم این مناطق "در فصل زمستان به قدری سرد است که حتی در گرم ترین ساعات روزهای آفتابی، شرایط حرارتی در فضاهای آفتاب گیر بسیار سرد می باشد" (مرتضی کسمایی، ۱۳۹۲) و در تابستان، گرمایی هوا در این اقلیم باعث خارج شدن موقعیت شرایط حرارتی آن از منطقه آسایش می شود، اما شدت این گرما در حدی است که می توان با ایجاد سایه در فضا های خارجی و بهره گیری از جریان هوا، شرایط حرارتی مناسبی در آنجا ایجاد می نماید، (علیرضا شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۶۷)



در نتیجه:

- سایه اندازی ضلع جنوبی ساختمان ها باعث می شود در فصل تابستان، به علت جهت عمودی پرتو تابش آفتاب، باعث جلوگیری نفوذ نور شده و در فصل زمستان با میل جهت پرتو آفتاب به افق، نور به داخل ساختمان نفوذ کند.
 - ساختمان های دارای حیاط مرکزی و درون گرا و با بافت فشرده باعث می شود نسبت سطح پوسته خارجی به حجم بنا کم شود و ارتفاع کم ساختمان و پنجره های کوچک دلیل دیگری برای حفظ انرژی می باشد.
 - بام های مسطح سبب می شود از تمام انرژی تابش خورشیدی بهره جست.
 - کشیدگی در محور شرقی-غربی، اجازه می دهد از نور مناسب شمال و جنوب استفاده ی بیشتری شود و نور جبهه ی شرق و غرب مزاحمت کمتری ایجاد کند. از آنجایی که بناهای مورد مطالعه کاروانسرا هستند، به بررسی اقلیمی کاروانسراها از نظر دکتر قبادیان پرداخته ایم.
 - ساختمان ها فاقد حیاط مرکزی بوده و به جای آن تالاری وسیع قرار داشته که در اطراف آن اصطبل جای می گرفته.
 - برای گرم کردن از بخاری و آتشدانی بزرگ استفاده می کردند.
- " معنی پدیده بومی و محل بوم: در فرهنگ لغت دهخدا واژه بوم به معنی سرزمین و زیستگاه می باشد، همچنین واژه " اطلاق می شود. در واقع بوم هماهنگ با محیط و زمینه اش می باشد و نیز پدیده های بومی برخاسته از زمینه های محیط که این دو از هم جدا ناشدنی می باشند.

معماری بومی: بوم معمولا تمامی اجزا مورد نیاز پدیده را دارا بوده و تامین می نماید و به ندرت به اجزایی خارج از بوم نیازمند خواهد بود، در واقع هر بومی، رخدادهای بومی موجود در خود را تامین و حمایت نموده و از بستر و زمینه موجود نیازهایش را تامین می سازد، حال آنکه این رخدادهای بومی بروی بستر و زمینه ای شکل می گیرد که در بردارنده ابعاد مختلف از قبیل، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی، طبیعی و زیست محیطی می باشد. " (تولایان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳)

معماری بومی با آنکه در طول تاریخ دست خوش پدیده های گوناگون بوده است، توانسته هویت ویژه خود را حفظ کند، این معماری که به دور از تخصص ها تحقق می یابد، جوابگویی به نیازهای یک جامعه را در ارتباط با عوامل طبیعی و خواسته های معنوی انسان ها عهده دار است. زیرا با مشارکت آنان، در تدبیر و در اجرا زاده می شود و از زندگی روزمره آنان الهام می گیرد و به دور از خودنمایی، استقرار می یابد، همین لحاظ، مصنوعات و معماری بومی را در پیوندی ملموس، مانوس و قابل فهم در می یابیم.

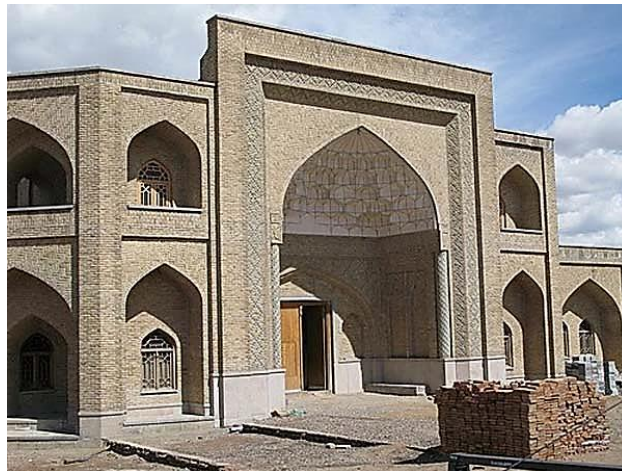
در این راستا سه کاروانسرای پیام، جمال آباد، خواجه نظر به عنوان نمونه ای از معماری بومی معرفی می شوند و میزان تعهدشان به زمینه مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد تا بتوان فرضیه زمینه گرایی این بناها را رد یا اثبات کرد. (ایوازیان، سیمون ۱۳۷۴ - ص ۷۵، ۷۶)

۳- معرفی کاروانسراها:

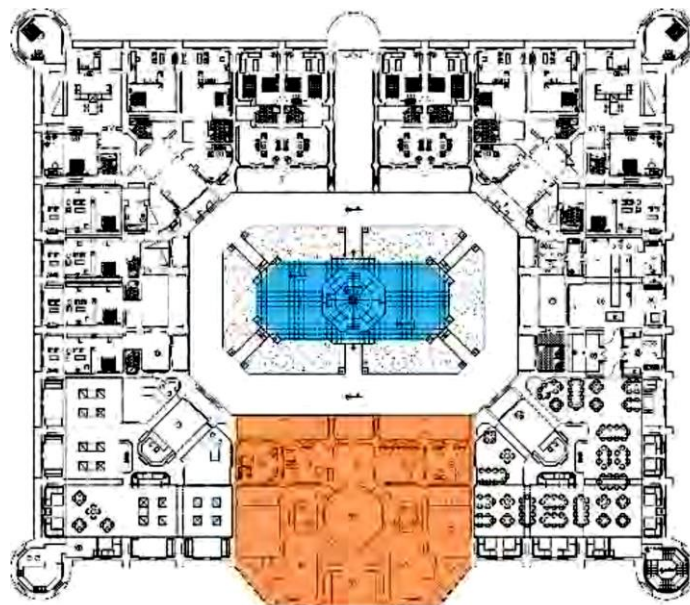
۱- ۳ کاروانسرای پیام (پام): این کاروانسرا در کنار جاده ی مرنده- تبریز قرار دارد، مصالح به کار رفته در آن، آجر مربعی شکل و جنس در و پنجره ها از چوب درخت نارون، گردو و جنگلی است. همچنین گچ بری و مقرنس کاری های



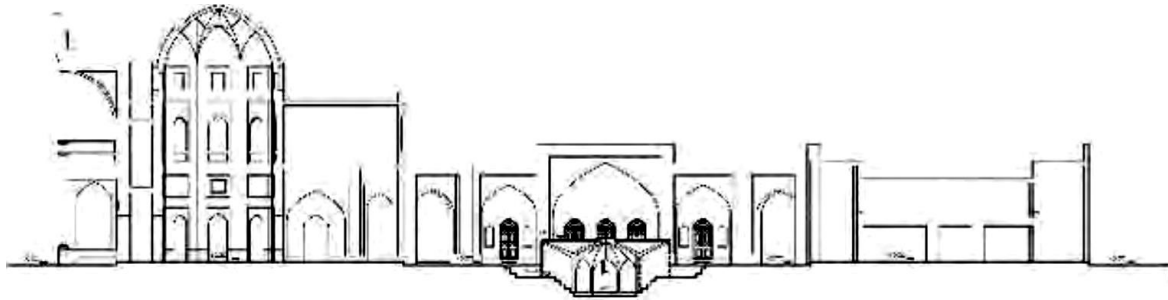
قسمت ورودی از تزئینات آن است، ای کاروانسرا به علت عملکرد آن به عنوان چارپارخانه دارای ۱۴ اتاق با مساحت بین ۳ تا ۳۲ متر مربعی است و جز فضای مربوط به کاروانسالار در طبقه ی دوم مابقی مربوط به نگهداری اسب ها می شده که دارای ارتفاع حدودا ۵ متری داشته، موقعیت جغرافیایی این اثر در دشت کوچکی است که اطراف آن تپه های خاکی وجود دارد و دارای درختان نارون و گردو می باشد آب مصرفی از کوه های اطراف وارد آب انباری در مرکز حیاطی به مساحت ۹۶۲ متر مربعی می شده اجاق هایی نیز در ایوان قرار دارد و اتاق ها دارای شومینه است، ورودی دارای هشتی و یک حوض کوچک است، برای ایجاد امنیت چهار برج نگهبانی نیز وجود دارد.



شکل ۱- نمای ورودی کاروانسرای پیام در آذربایجان شرقی - حدفاصل تبریز-مرند (منبع نگارندگان)



شکل ۲- پلان کاروانسرای پیام، لکه آبی رنگ آب انبار و لکه نارنجی رنگ نشان دهنده شاه نشین است (منبع میراث فرهنگی استان آ.ش).



شکل ۳- برش عمودی از کاروانسرای پیام، ارتفاع شاه نشین ۱۶/۴۰ متر است (منبع میراث فرهنگی استان آ.ش).



شکل ۴- شومینه داخل اتاق های داخل ایوان در کاروانسرای پیام. (منبع نگارندگان)



شکل ۵- ورودی اصلی کاروانسرای پیام (منبع نگارندگان)

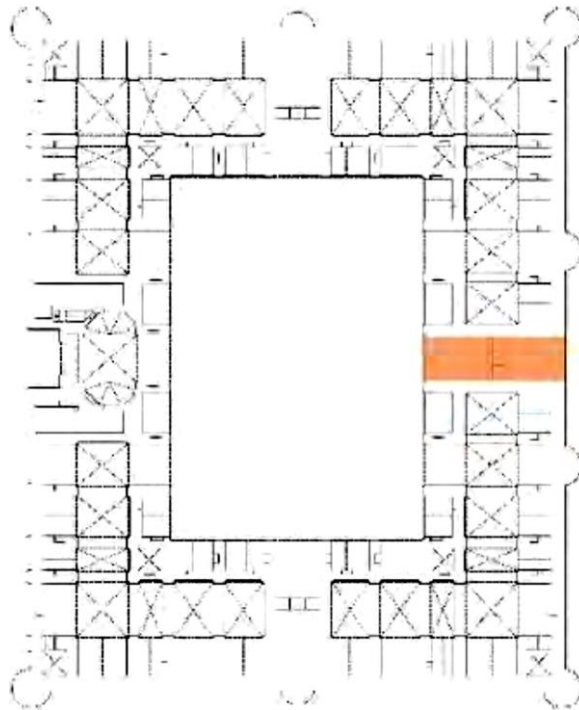


شکل ۶-آب انبار کاروانسرای پیام (حیاط مرکزی کاروانسرا) (منبع نگارندگان).

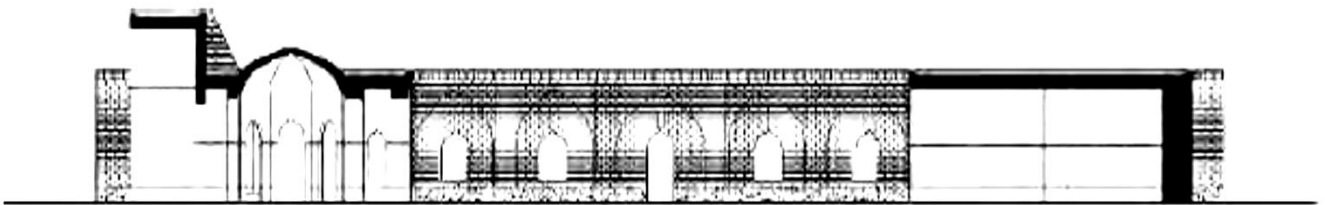


شکل ۷-مقرنس کاری در ورودی اصلی از کاروانسرای پیام (منبع نگارندگان).

۲-۳ کاروانسرای خواجه نظر: این بنا در کنار نوار مرزی ایران و جمهوری خود مختار آذربایجان در کنار پل ضیا الملک قرار دارد، مصالح بکار رفته ، سنگ تراش و آجر می باشد و درهای آن از جنس چوب است، در این بنا از طریق هشتی وارد حیاطی می شویم که از چهار طرف محصور است، در ضلع شمالی شش اتاق به مساحت ۶مترمربع و با ارتفاع کم موجود است و همچنین ورود به هر اتاق از طریق ایوان و با دو در تو در تو امکان پذیر است، این اتاقها فاقد پنجره می باشد، ولی اصطبل دارای نورگیرهای سقفی و پنجره هایی در دو طرف دالان است.
موقعیت جغرافیایی این بنا در منطقه ی کوهستانی و در کنار رود ارس می باشد.



شکل ۸-پلان از کاروانسرای خواجه نظر عباسی رنگ نارنجی نشان دهنده هشتی است (منبع میراث فرهنگی استان آ.ش).



شکل ۹-برش عمودی از کاروانسرای خواجه نظر عباسی در جلفا ارتفاع بنا ۲/۸۰ می باشد (منبع میراث فرهنگی استان آ.ش).

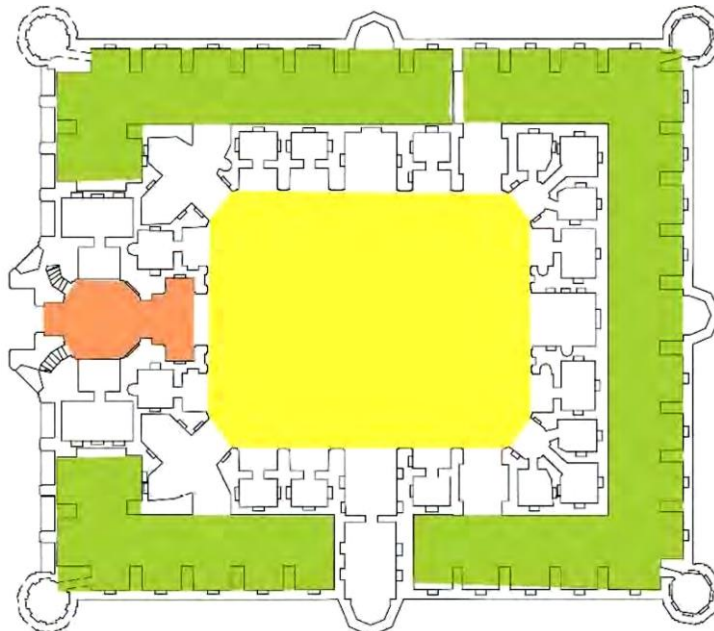


شکل ۱۰-نمای از حیاط مرکزی کاروانسرای خواجه نظر جلفا (آذربایجان شرقی) (منبع نگارندگان)



شکل ۱۱-اصطبل کاروانسرائی خواجه نظر جلفا، دارای نورگیر سقفی می باشد(منبع نگارندگان).

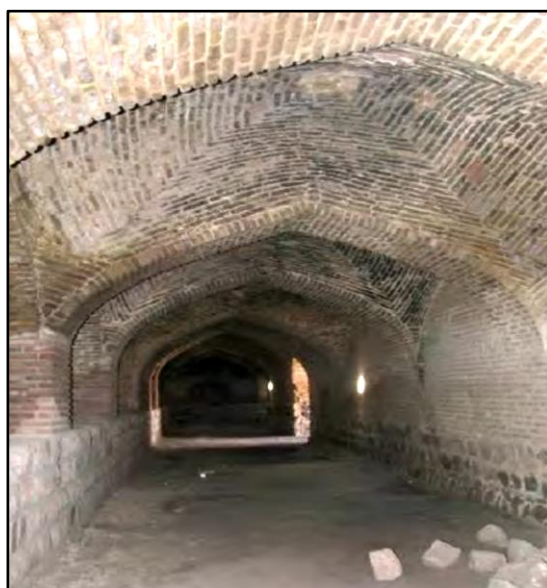
۳-۳ کاروانسرائی جمال آباد: بنای سوم در جاده میانه- زنجان واقع در روستای جمال آباد است، فضای ورودی دو طبقه و دارای هشتی می باشد، اتاق های کاروانیان به طرف حیاط و هر کدام دارای ایوانو ارتفاع حدوداً ۳ متر می باشد، اصطبل های سراسری به ارتفاع ۴ متر در چهار جهت به صورت راهرو طویل متصل بهم می باشد، چهار برج مدور و پشت بندهای نیم دایره ساختمان را از بیرون تقویت می نماید، شاه نشین در قسمت شرقی بنا و با ارتفاع حدود ۷ متر است. موقعیت این بنا در ارتفاعات با تپه های خاکی است. (سند ثبتی کاروانسرا، -۳۸۰ شیت ۷)



شکل ۱۲-پلان کاروانسرائی جمال آباد، هشتی به رنگ نارنجی، اصطبل ها به رنگ سبز و حیاط مرکزی به رنگ زرد نشان داده شده است.(منبع میراث فرهنگی استان زنجان).



شکل ۱۳- برش عمودی از کاروانسرای جمال آباد، هر کاربری دارای ارتفاع مشخص شده است (منبع میراث فرهنگی استان زنجان).



شکل ۱۴- نمایی داخلی از اصطبل کاروانسرای جمال آباد با ارتفاع کم (منبع نگارندگان)



شکل ۱۵- ورودی اصلی کاروانسرای جمال آباد از طریق هشتی (منبع نگارندگان).



۴- تجزیه و تحلیل:

- از مقایسه کاروانسراها با ویژگی های زمینه گرایی اقلیمی که قبلا ذکر شده است، جدول زیر چنین به دست آمده است:

جدول ۱- ویژگی های زمینه گرایی اقلیمی در کاروانسراهای مورد مطالعه. (منبع نگارندگان)

نام کاروانسراها ویژگی های زمینه گرایی اقلیمی	پیام	خواجه نظر	جمال آباد
سایه اندازی در ضلع جنوبی	*	*	*
حیاط یا ایوان کوچک یا فاقد آن			
سقف مسطح			
سقف کوتاه		*	
پنجره های کوتاه		*	
تا حدودی داخل زمین			
استفاده از هشتی	*	*	*
تامین نور و تهویه ساختمان	*	*	*
استفاده از بخاری و آتشدان	*		

بررسی ویژگی های زمینه گرایی کالبدی:

در این بخش بنا های مذکور را با توجه به نوع کاربریشان از هشت ویژگی زمینه گرایی کالبدی که قبلا ذکر شد مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم:

فرم و شکل: این سه بنا از نظر فرم دارای شکل نسبتا خالص مکعب مستطیل است و گنبدها در سقف، طاق ها و پنجره ها ریتمی زیبا به وجود آورده است، اما این ریتم در میانه مسیر توسط گنبدی بزرگ تر به اوج خود رسیده که در دو کاروانسرای پیام و جمال آباد در هر چهار جهت این اتفاق می افتد، ولی در کاروانسرای خواجه نظر به دلیل مساحت کم تر و شرایط سخت اقلیمی تنها در ورودی اصلی آن را مشاهده میکنیم.

تناسبات: هر سه بنا دارای کشیدگی افقی هستند، که این کشیدگی از نظر بصری توسط عناصر عمودی بر جداره و برج ها در چهار گوشه در دو کاروانسرای پیام و جمال آباد کاهش یافته و ایجاد حس امنیت و صلابت، و مکانی برای استراحت



را فراهم می کند، با این وجود تناسبات بنا به شکلی است که، برای مسافر خسته از راه، این مکان آرامش را از دور دست قابل رویت بوده است.

جزئیات: در کاروانسرای پیام شاهد گچ بری ها و مقرنس های و آجر چینی های زیبایی هستیم، این جزئیات در کاروانسرای جمال آباد به آجر چینی می باید و کاروانسرای خواجه نظر فاقد جزئیات خاصی است. مصالح: کاروانسراهای پیام و جمال آباد با توجه به موقعیت قرار گیریشان به ترتیب در دشت و تپه های خاکی از آجر و در خواجه نظر از سنگهای همان منطقه استفاده شده ، انحصاراً جنس چوب در و پنجره در کاروانسرای پیام با درختان آن برابری می کند، پس می توان گفت از مصالح بوم آورد ساخته شده اند. رنگ: رنگ بنا همان رنگ راستین مصالح است.

چشم اندازها: با توجه به درون گرایی بنا و اینکه تمامی بازشوها به جز درب اصلی حیاط است تنها چشم انداز آن حیاط کاروانسرا است که با باغچه های زیبا و فرح بخش مزین به گل و گیاهان زیبا شده است. توپوگرافی: با وجود این که هرسه کاروانسرا دارای سه توپوگرافی مختلف (پیام در دشت، خواجه نظر در کوهستان و جمال آباد در تپه های خاکی) است، اما مکانی را یافته اند مسطح برای احداث بنا. خط آسمان: همان طور که در عکس ها و برش ها مشهود است، خط آسمان این سه بنا توسط گنبدها دارای ریتمی زیباست که در ورودی ها به اوج میرسد.

جدول ۲-ویژگی های زمینه گرایی کالبدی در کاروانسراهای مورد مطالعه. (منبع نگارندگان)

نام کاروانسراها ویژگی های زمینه گرایی کالبدی	پیام	خواجه نظر	جمال آباد
فرم	*	*	*
تناسبات	*	*	*
جزئیات	*	*	*
مصالح	*	*	*
رنگ	*	*	*
چشم اندازها	*	*	*
توپوگرافی محل بنا			
خط آسمان	*	*	*



۵- نتیجه گیری:

شرایط خاص اقلیمی سرزمین ایران، سبب شده است که شهرها و آبادی‌های این سرزمین در فواصل دور از هم قرار گیرند. در این شرایط، تنها یک شبکه ارتباطی منظم می‌توانسته است این نقاط دورافتاده را یکپارچه کند. بنابراین ساخت و گسترش راه‌ها و به تبع آن، برپایی تأسیسات اقامتی در طول مسیرها اجتناب‌ناپذیر بوده است. توجه به کاروانسراها به ویژه در ارتباط خاص با شرایط سیاسی و اجتماعی هر دوره بوده است. چنان‌که در هر زمان، حکومت‌های مقتدر و دولت‌های توانمند در کشور وجود داشته‌اند) به ویژه در عصر صفوی و زمان شاه عباس اول (ساخت کاروانسرا در ایران رونق یافته و به تبع آن، ارتباطات و تجارت نیز در سطح بالایی قرار گرفته است. کاروانسراها برخلاف بسیاری دیگر از ابنیه تاریخی بناهایی هستند که در انزوا و به طور مجرد قابل درک نیستند، چرا که اساساً آنها جداگانه و تنها ساخته نشده‌اند. هر کاروانسرا به عنوان جزئی از یک مسیر ارتباطی، به منظور داشتن کارکرد مؤثر، نیازمند داشتن ساختمان‌های دیگری در طول همان جاده بوده است تا زنجیره ارتباطی کامل شود. کاروانسراهای صفوی از نظر معماری دارای فضاها و محتوایی هستند که به وضوح ماورای نیازهای بازرگانی اقامتی و ارتباطی قرار می‌گیرند. هیلن براند از این بناها به عنوان «کاخ‌هایی در بیابان» یاد می‌کند و آرتور پوپ چنین می‌گوید: «احداث کاروانسراها یکی از پیروزی‌های بزرگ معماری ایران است و در هیچ کجا همسویی ساخت و کارکرد را از این کامل‌تر نمی‌توان دید.» (پوپ، ۲۳۸: ۱۳۷۱)

کاروانسرا در ذهن فرهنگی ایرانیان از باب سکونت موقتی، یادآور دنیا است و آدمیان همچون مسافران کاروان‌ها می‌آیند و می‌روند و شاید به همین دلیل است که در کاروانسراها از تزئینات اضافی و بیهوده پرهیز می‌شده و عظمت، زیبایی و شکوه بنا در ذات و ماهیت آن تعبیه می‌شده است.

با بررسی ساختاری معماری و ابعاد آن، در سه کاروانسرا در سه منطقه دشت، کوهپایه ای و کوهستانی استان آذربایجان شرقی در دوره صفوی، جداول به دست آمده گویای این نکته است که این بناها بیشتر تابع کالبد زمینه هستند تا اقلیم آن البته در کاروانسرای خواجه نظر در جلفا که در منطقه کوهستانی واقع است، توجه به اقلیم به مراتب بیشتر است.



۶- مراجع:

- (۱) - ایوازیان، سیمون (۱۳۷۴)، روند شکل‌گیری کاروانسراهای برون‌شهری (مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، ۱۳۷۹)، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- (۲) - باستانی پاریزی (۱۳۸۵)، محمد ابراهیم، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر.
- (۳) - پوپ، آرتور (۱۳۸۱)، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، انتشارات فرهنگیان.
- (۴) - پیرنیا، محمد کریم و افسر، کرامت‌الله، بی‌تا، راه و رباط، تهران، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- (۵) - تاورینه، ژان باتیست، بی‌تا، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری با تجدیدنظر کلی و تصحیح دکتر حمید شیرانی، اصفهان، انتشارات کتابخانه سینایی و کتابفروشی تأیید.
- (۶) - رفیع‌فر، جلال، لرافشان، احسان، ۱۳۸۴، بررسی انسان‌شناختی کاروانسراهای عصر صفوی، تهران: مجله‌نامه انسان‌شناسی، شماره ۴.
- (۷) - سیوری، راجر (۱۳۸۷)، ایران عصر عصفوی: ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.
- (۸) - سیرو، ماکسیم (۱۹۴۷)، کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان‌راه‌ها، ترجمه عیسی بهنام، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- (۹) - شاردن، ژان (۱۳۴۹)، دایره‌المعارف تمدن ایران: سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی (چاپ دوم تهران، انتشارات امیرکبیر).
- (۱۰) - صارمی، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، عناصر پایدار و متغیر در معماری، (مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم) تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- (۱۱) - فلامکی، محمدمنصور (۱۳۷۵)، باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران، دانشگاه تهران.
- (۱۲) - کلاکهن، کلاید (۱۳۵۵)، زمینه انسان‌شناسی و مردم‌شناسی، ترجمه و اقتباس ظفردخت اردلان، تهران، نشر اندیشه.

سایت های اینترنتی:

13. www.farmandaridamavand.com
14. www.iranmiras.org/fr_site/Home_F.asp
15. www.persianguarden.ir/defaultMain.asp?Langu=FA
16. www.jjtvn.ir/display_full.aspx?data_id=5008
17. www.istta.ir/default.asp?town=tehran&cat=history
18. www.kimiatech.net/damavand